



ارائه راهکاری جهت بهینه سازی هزینه های راه اندازی شرکت های فناوری و دانش بنیان به منظور کاهش ریسک سرمایه گذاری

سحر فرهادی^۱، علیرضا رمزگویان^۲

^۱مدیرعامل شرکت چرخش فولاد، s.farhadi@chf-co.com

^۲رئیس هیات مدیره شرکت چرخش فولاد، a.ramzgooyan@chf-co.com

چکیده

یافتن راه حل های قابل اجرا برای مسائل مرتبط با حوزه فعالیت اقتصادی و کارآفرینی، مستلزم تحلیل پیچیدگی ها و بررسی عدم قطعیت هایی است که در موضوعات علوم مهندسی، فنی و سایر علوم تجربی، به ندرت با آن روبرو خواهیم بود. در این نوشتار نیز که برگرفته از تجربه شرکت چرخش فولاد به عنوان واحدی کارآفرین و فناور، در مواجهه با چالش های آغاز فعالیت خود بوده است، سعی بر آن است تا خلاقیت این شرکت در یافتن راهکاری برای حل مساله بهینه سازی هزینه ها در مرحله راه اندازی فعالیت، با توجه به چشم اندازهای تعریف شده در کنار منابع، محدودیت ها و تناقضاتی که برای کاهش ریسک سرمایه گذاری اولیه، با آن مواجه بوده است، در قالب الگویی قابل تعمیم برای شرکت های مشابه ارائه گردد. مساله اصلی طرح شده در این مقاله، بهینه سازی هزینه های راه اندازی، در عین مدیریت و حفظ دانش فنی^۱ شرکت، حفظ کیفیت برای کل گستره محصولات و خدمات و حفظ مزایای رقابتی برای رسیدن به سهم بازار تعیین شده در طرح کسب و کار^۲، با توجه به شرایط اقتصادی و سیاسی تاثیرگذار بر بازار مربوطه، می باشد که با روش بهینه سازی تجزیه و تکرار^۳، تحلیل و مدل سازی شده است.

واژه های کلیدی

هزینه راه اندازی، بهینه سازی، کارآفرینی، فناور، ریسک سرمایه گذاری، الگوریتم تجزیه و تکرار

مقدمه

با توجه به دیدگاه بدیع و متفاوت مدرنیته از موضوع کسب و کار، به عنوان مشی و تفکر غالب در عصر حاضر، مزیت های بسیاری را می توان برای مطالعه بر ابعاد مختلف کارآفرینی و فعالیت اقتصادی در جوامع امروزی تحلیل نموده و برشمرد. تردیدی نیست که چشم

اندازها و نگرش های نظریات نوسازی^۴ که اولین بار در جوامع غربی مطرح شد و به دنبال خود توسعه یافتگی و برخورداری از قدرت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را برای آن ها به همراه داشت، به قدری فراگیر بود که موجب دو قطبی شدن کشورهای جهان و استیلا کشورهای توسعه یافته بر سایرین گردید. با رشد ناگزیر چنین شرایطی و از دست رفتن منابع و قدرت حاکمیت کشورهای توسعه نیافته حتی بر سرنوشته خود، بسیاری از اندیشمندان در این کشورها تصمیم به بازنگری در ارزش ها و روش های خود گرفته و سعی نموده اند تا عقب ماندگی ناشی از این فاصله که به شکاف تکنولوژیک^۵ تعبیر می شود را جبران نمایند و یکی از مهمترین این ارزش ها، موضوع کار و به تعبیری فعالیتی اقتصادی به عنوان پدیده ای با سابقه طولانی تاریخی اما با نگرش مدرن است که می بایست منجر به سودآوری و خلق ارزش های اقتصادی گردد. تکنولوژی به عنوان زیربنای توسعه که در اختیار کشورهای تراز اول بود به تدریج دغدغه و موضوع کسب و کار برای کشورهای در حال توسعه شد [۱]. به گونه ای که کشورهای در حال توسعه سعی در دانش محور شدن و تولید محصول به جای استخراج و فروش منابع خود نمودند تا استقلال خود را بیشتر حفظ نمایند. این امر نیازمند حضور سرمایه گذاران و تامین تکنولوژی و تجهیزات و مواد اولیه و در عین حال بازار فروش مطلوب محصولات می باشد که سودآوری را تضمین نماید و موجب رغبت سرمایه داران گردد.

اما همواره سرمایه گذاری به عنوان دانشی چند وجهی و نیز امری معطوف به ریسک ها و عدم قطعیت ها، تولید و سرمایه گذاری در تولید را علی الخصوص از سوی سرمایه داران خصوصی با چالش های بسیار مواجه می نماید.

درست است که کشورهای در حال توسعه پیرو اعمال سیاست های تعدیل اقتصادی، خصوصی سازی در اقتصاد را پیش گرفتند [۲] اما تولید ثروت در بخش خصوصی در کنار کارآفرینی و ایجاد ارزش های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه

^۴ Modernization Theories
^۵ Technological Gap

^۱ Know-How
^۲ Business Plan
^۳ Decomposition-Iteration